Vol. 13 | No. 3410 | Tue. Sep 15 . 2026 | سه‌شنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۵ | ۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۴۱۰ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

# تعادل

نیاز اقتصاد ایران

| دلار | یورو | تمام‌سکه | شاخص بورس |
|---|---|---|---|
| -- | -- | -- | -- |

«تعادل» از آخرین تحولات بازار نفت گزارش می‌دهد

## وقتی امنیت انرژی قربانی بازی‌های ژئوپلیتیک می‌شود

صفحه ۳

محدودیت‌های داخلی و خارجی مسیر دسترسی کاربران را تنگ‌تر کرده است

## اینترنت ایران میان تحریم فیلترینگ و زیرساخت فرسوده

صفحه ۶

«تعادل» روند بازارهای مالی جهان را بررسی می‌کند

# بورس‌ها در محاصره ریسک

بازارهای سهام جهان در آغاز معاملات روز دوشنبه، تحت‌تأثیر همزمان دو نگرانی مهم با فشار فروش مواجه شدند؛ از یک سو، افزایش دوباره قیمت نفت در پی تشدید تنش‌ها در خاورمیانه و نگرانی درباره اختلال در عرضه انرژی و از سوی دیگر، ریزش سهام شرکت‌های مرتبط با هوش مصنوعی پس از هشدار مدیران ارشد این صنعت درباره سرعت توسعه فناوری و ریسک‌های ایمنی آن. این شرایط در حالی رقم خورد که سرمایه‌گذاران در آستانه تصمیم‌های مهم بانک‌های مرکزی در هفته جاری قرار دارند و بازار امریکا نیز خود برای نشست سیاست‌گذاری فدرال رزرو آماده می‌کند. انتشار آمار تورم بالاتر از انتظار در امریکا، احتمال افزایش نرخ بهره را تقویت کرده و همزمان رشد دوباره قیمت نفت می‌تواند فشار تورمی بیشتری بر اقتصاد جهانی وارد کند. در چنین فضایی، بازارها با ترکیبی از ریسک‌های ژئوپلیتیک، تورمی و تکنولوژیک مواجه شده‌اند؛ ترکیبی که می‌تواند مسیر معاملات سهام در روزهای آینده را تحت‌تأثیر قرار دهد. در معاملات اولیه روز دوشنبه، شاخص‌های اصلی بازار سهام امریکا با کاهش مواجه شدند. معاملات آتی شاخص S&P500 حدود ۰.۷ تا ۰.۸ درصد افت کرد و معاملات آتی Nasdaq-100 نیز کاهش قابل توجهی در محدوده ۱.۷ تا ۱.۸ درصد را به ثبت رساند. معاملات آتی میانگین صنعتی داوجونز نیز حدود ۱۳۵ واحد، معادل ۰.۳ درصد، پایین آمد. این افت عمدتاً تحت تأثیر ریزش سهام شرکت‌های فناوری و به‌خصوص شرکت‌های مرتبط با زنجیره هوش مصنوعی رخ داد؛ بخشی از بازار که طی ماه‌های گذشته یکی از مهم‌ترین موتورهای رشد شاخص‌های وال‌استریت بوده‌است...

صفحه ۴ را بخوانید

مسعود پزشکیان در نشست با جمعی از بازنشستگان در وزارت کار:

## رقم کالابرگ قطعا افزایش می‌یابد

۲

خانه گران شد، خریدار از بازار جا ماند

## ساخت و ساز ۳۱.۸ درصد عقب نشست

بازار مسکن در سال ۱۴۰۵ از دو سمت تحت فشار قرار گرفته است؛ از یک سو هزینه ساخت و قیمت نهاده‌های ساختمانی افزایش یافته و از سوی دیگر قدرت خرید خانوارها برای ورود به بازار کاهش پیدا کرده‌است. همزمان افت سرمایه‌گذاری در ساختمان، دشواری تأمین مالی پروژه‌ها و طولانی شدن طرح‌های نیمه‌تمام، سمت عرضه را...

صفحه ۵ را بخوانید

آزمونی تازه در بورس

## پذیره‌نویسی ارزی در ایستگاه اول

با نزدیک شدن به آغاز پذیره‌نویسی نخستین صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی، این ابزار جدید بازار سرمایه می‌تواند مسیر تازه‌ای برای هدایت منابع ارزی مردم به سمت تأمین مالی بخش واقعی اقتصاد ایجاد کند؛ ابزاری که در صورت اتصال به پروژه‌های ارزآور، علاوه بر حفظ ارزش دارایی سرمایه‌گذاران، می‌تواند به تقویت تولید، صادرات و تراز پرداخت‌های کشور کمک کند، اما در صورت انتخاب پروژه‌های فاقد درآمد ارزی، ممکن است صرفاً تعهدات ارزی جدیدی برای آینده ایجاد کند. صندوق‌های ارزی قرار است امکان سرمایه‌گذاری رسمی منابع ارزی مردم را فراهم کنند؛ به این معنا که دارندگان ارز به جای نگهداری اسکناس یا سپرده‌های ارزی، بتوانند منابع خود را در یک صندوق سرمایه‌گذاری کرده و در مقابل، بازدهی ارزی دریافت کنند. براساس سازوکار اعلام‌شده، سرمایه‌گذاری، انتقال مالکیت و تسویه وجوه ناشی از صدور و ابطال واحدهای این صندوق‌ها به صورت ارزی انجام می‌شود و تسویه ریالی جایگزین تسویه ارزی نخواهد شد. در ساختار نخستین صندوق نیز بانک ملت به عنوان ثبت‌کننده، مدیر عملیات ارزی و ضامن نقدشوندگی معرفی شده‌است...

صفحه ۴ را بخوانید

یادداشت - ۱

## آیا افزایش کالابرگ حریف موتور تورم می‌شود؟

مرتضی افقه

برای بهبود شاخص‌های معیشتی اقشار محروم و رونق نسبی در سفره‌های مردم چه باید کرد؟ پاسخ به این پرسش در شرایط بحران و جنگ و محاصره بی‌تردید با دشواری‌هایی همراه است، چرا که هر تحولی ممکن است آثار سوئی بر معیشت و سفره‌های عمومی مردم داشته باشد. به‌طور کلی مشکلات اقتصادی اخیر ناشی از برخی گزاره‌های بیرونی مانند جنگ و تورم و محاصره و برخی گزاره‌های درونی از جمله کسری بودجه، کژکارکردی‌های نظام تصمیم‌سازی و ناترازی‌های مختلف است. وعده اخیر رییس‌جمهور مبنی بر افزایش اعتبار کالابرگ برای حمایت از دهک‌های کم درآمد، هر چند اقدامی همسو با مطالبات عدالت‌خواهانه به نظر می‌رسد، اما در غیاب یک درک ساختاری از «اقتصاد در شرایط جنگی و بحران»، کارآمدی پایداری نخواهد داشت.

تجربه سال‌های گذشته نشان داده پرداخت یارانه جبرانی برای مقابله با شوک درمانی و تعدیل نرخ ارز، مسابقه‌ای نابرابر میان دستمزد و تورم است؛ مسابقه‌ای که دولت هرگز برنده آن نخواهد بود، مگر آنکه ریشه‌های بنیادین بحران، انتظارات تورمی و ناکارآمدی‌های سیاستی مهار شوند.

بارها در همین ستون و سایر تریبون‌ها تاکید کرده‌ایم که در موقعیت‌های خطیر، به ویژه در هنگام مواجهه با تنش‌ها و تهدیدات جنگی، رفتار متغیرهای اقتصادی دگرگون می‌شود. در چنین شرایطی، نااطمینانی عمومی موجب افت سرمایه‌گذاری، خروج سرمایه و در نهایت کاهش توان تولید می‌شود؛ امری که کمبود کالا و جهش قیمت‌ها را به دنبال دارد.

تجربه جهانی گواه آن است که در شرایط جنگی، همه کشورها به سمت «دولت‌محوری» و اعمال مدیریت مستقیم بر زنجیره تولید و توزیع حرکت می‌کنند. سازوکارهایی نظیر سهمیه‌بندی، تعیین سقف قیمت و تخصیص کالابرگ، از ابزارهای شناخته شده این دوران برای نجات طبقات ضعیف از سقوط معیشتی است. اما خطای راهبردی سال‌های اخیر در کشور ما این بوده که همواره به بهانه حذف یارانه‌های ارزی و کالایی، وعده بازتوزیع مابه‌التفاوت آن در قالب یارانه نقدی یا کالابرگ داده شده است.

واقعیت آن است که تورم فزاینده فعلی، تنها محصول تنش‌های منطقه‌ای و شوک‌های روانی ناشی از جنگ نیست؛ جنگ صرفا بنزینی بر آتش «ناکارآمدی‌های مزمن ساختاری» در اقتصاد داخلی بوده است. در نتیجه، هرگونه آزادسازی قیمت و سپس بازپرداخت یارانه، تورمی را به جامعه تحمیل می‌کند که اثر حمایتی کالابرگ را در کوتاه‌ترین زمان می‌بلعد.

این چرخه معیوب از دوران هدفمندی یارانه‌ها در دولت نهم تا جهش‌های ارزی سال‌های اخیر تکرار شده است. در ماه‌های گذشته نیز در واکنش به سیاست‌های ارزی جدید و تصمیمات آقای همتی، صراحتا هشدار دادیم که شوک‌های قیمتی ناشی از دستکاری نرخ ارز، به مراتب سنگین‌تر از بسته‌های جبرانی خواهد بود. امروز دولت به درستی به لزوم ترمیم قدرت خرید دهک‌های فرودست رسیده، اما پرسش محوری این است: منابع پایدار این افزایش کالابرگ از کجا تامین خواهد شد؟

اگر قرار باشد بانک مرکزی مرتبا نرخ ارز ترجیحی و نیمایی را به بهای نزدیک شدن به بازار آزاد افزایش دهد و دولت برای جبران این گرانی، اقدام به افزایش ریالی کالا برگ کند، وارد یک «مسابقه بی‌پایان» میان تورم و یارانه شده‌ایم که نتیجه قطعی آن شکست توان مالی دولت و ذوب شدن سفره‌های مردم است. علاوه بر این، اگرچه به دلیل افت شدید درآمد سرانه امروز تا دهک هشتم نیز نیازمند چترهای حمایتی هستند، اما در همین ساختار نیز تخصیص مساوی کالابرگ عادلانه نیست و طبقات یک تا سه باید در کانون حمایت‌های ترجیحی قرار گیرند. در نهایت باید واقع‌بین بود؛ کالابرگ در این مقیاس صرفا یک تسکین موقت است و تا زمانی که سایه تنش‌های خارجی برطرف نشود، محاصره اقتصادی پایان نیابد و دولت از توهم تعدیل قیمت‌ها در شرایط اضطرار دست نکشد، ثبات معیشتی حاصل نخواهد شد.

**اقتصاددان و استاد دانشگاه**

یادداشت - ۲

## پارادوکس نرخ بهره و بدهی امریکا

رضا غنی‌پور

در شرایطی که جهش بازدهی اوراق قرضه خزانه‌داری امریکا محاسبات کوتاه‌مدت معامله‌گران طلا را برهم زده، بازخوانی فلسفه سرمایه‌گذاری مبتنی بر ارزش، به‌ویژه آموزه‌های چارلی مانگر، اهمیتی مضاعف یافته است. در حالی که افزایش نرخ بهره در ظاهر هزینه فرصت نگهداری فلز زرد را بالا برده و فشار فروش مقطعی ایجاد می‌کند، انباشت بدهی‌های سرسام‌آور دولت ایالات متحده اقتصاد جهانی را در برابر یک دوراهی تاریخی قرار داده است: تسلیم در برابر ورشکستگی بدهی‌ها یا بازگشت به سیاست انبساط پولی و چاپ اسکناس؛ دوراهی سرنوشت‌سازی که می‌تواند سوخت اصلی جهش بعدی اونس جهانی را فراهم آورد. چارلی مانگر، شریک دیرین وارن بافت، اصلی ساده اما بنیادین در سرمایه‌گذاری داشت: «فرصت‌های طلایی به ندرت ظاهر می‌شوند؛ هنر سرمایه‌گذار این است که در زمان فرارسیدن آن، کاملا آماده باشد.» خطای بزرگ بسیاری از معامله‌گران و فعالان بازار، اعتیاد به عمل‌گرایی مداوم و انجام معاملات روزانه است؛ تصوری کاذب مبنی بر اینکه منفعل ماندن در برهه‌هایی از زمان، به معنای عقب‌ماندن از سود بازار خواهد بود. در نقطه مقابل، سرمایه‌گذاری حرفه‌ای مستلزم صبوری، رصد بی‌طرفانه و انباشت نقدینگی است. فرصت‌های ناب سرمایه‌گذاری با تابلوی راهنما وارد بازار نمی‌شوند؛ بلکه دقیقا در دل ترس‌های عمومی، فرار سرمایه‌گذاران خرد و در نقطه اوج خطای قیمت‌گذاری سیستماتیک ظهور می‌کنند. برای سرمایه‌گذار ایرانی در شرایط پرنوسان کنونی، حفظ تعادل میان «سپر تورمی» و «نقدشوندگی پویا» ضروری است؛ سبدی که هم قدرت خرید را در برابر سقوط ارزش پول ملی حفظ کند و هم قدرت مانور کافی برای شکار فرصت‌های بزرگ ناشی از بیش‌واکنشی بازارها را در اختیار داشته باشد. ارزش‌گذاری بنیادین طلا در آینه نقدینگی جهانی (M۲): برای درک جهت‌گیری میان‌مدت و بلندمدت قیمت طلا، صرفا تکیه بر سازوکار عرضه و تقاضای فیزیکی گمراه‌کننده است. یکی از دقیق‌ترین شاخص‌ها، سنجش قیمت طلا در مقایسه با حجم پول و نقدینگی جهانی بر مبنای دلار (M۲) است. اگرچه این رابطه در کوتاه‌مدت تحت تأثیر نرخ‌های بهره واقعی، نوسانات شاخص دلار و رفتارهای هیجانی می‌تواند دچار انحراف شود، اما در بلندمدت، سطح رشد نقدینگی جهانی به عنوان کف بنیادین قیمت دارایی‌های امن عمل می‌کند. ارقام کنونی نقدینگی جهانی در سطوح بسیار بالایی تثبیت شده‌اند و بستر زیرین برای حفظ ارزش دارایی‌های نقدناپذیر را گرم نگه داشته‌اند. پارادوکس اوراق خزانه؛ نقطه آغاز بحران بدهی: با این حال، موتور محرک اصلی تحولات اخیر در بازار اوراق قرضه امریکا نهفته است. رسیدن بازدهی اوراق ۱۰ ساله خزانه‌داری امریکا به سقف‌های کم‌سابقه (حوالی ۴.۷۷ درصد)، در نگاه اول حامل پیام منفی برای طلاست؛ چرا که با افزایش نرخ بازده بدون ریسک، هزینه نگهداری طلای بدون بهره افزایش می‌یابد. اما تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که این جهش بازدهی، ممکن است نه پایان چرخه رشد طلا، بلکه آغازی بر آشکار شدن بحران تحمل‌ناپذیر بدهی‌های عمومی امریکا باشد. هنگامی که کوه بدهی‌های ملی واشنگتن به نقطه‌ای بحرانی می‌رسد، نرخ‌های بهره بالا عملا خزانه این کشور را با بحران هزینه‌های سنگین بازپرداخت استقراض روبه‌رو می‌سازد. فدرال رزرو و سیاستگذار مالی امریکا ناچار خواهند شد میان «تشدید بحران بدهی و رکود سیستماتیک» و «مداخله پولی، کاهش نرخ بهره واقعی و خرید مجدد اوراق» یکی را برگزینند. سوخت تاریخی برای جهش اونس: اگر پیامد نهایی این بن‌بست پولی، تن دادن ناگزیر بانک مرکزی امریکا به چرخه جدیدی از انبساط پولی، تزریق نقدینگی و عقب‌نشینی از انقباض باشد، آنچه امروز به عنوان ریسک نزولی طلا تلقی می‌شود، به نیرومندترین اهرم جهش آن در میان‌مدت و بلندمدت بدل خواهد شد. به بیانی ساده، بحران بدهی در کوتاه‌مدت طلا را زیر فشار می‌گذارد، اما در گام بعد، درمان پولی این بحران، محرک رشد طلا خواهد بود. امروز چشم‌انداز بازارهای جهانی به واکنش سیاستگذار امریکایی به مرز تحمل بحران بدهی دوخته شده است؛ نقطه‌ای سرنوشت‌ساز در توازن مالی بین‌المللی که رقبای ژئوپلیتیک نظیر چین سال‌هاست برای فرارسیدن آن و بازچینی ذخایر استراتژیک خود در طلا به انتظار نشسته‌اند. برای سرمایه‌گذاران هوشمند، رصد این بحران و حفظ آمادگی به سبک مانگر، رمز استفاده از فرصت‌های پس از توفان خواهد بود.

یادداشت - ۳

## بورس در نقطه انتخاب نه صرفا خرید

هلن عصمت‌پناه

بازار سهام این روزها در شرایطی قرار گرفته که دیگر نمی‌توان صرفا با نگاه به روند شاخص‌ها درباره فرصت‌های سرمایه‌گذاری تصمیم گرفت. بازاری که رشد می‌کند، لزوما همه سهم‌هایش را به یک اندازه ارزشمند نمی‌کند. در چنین شرایطی، یکی از مهم‌ترین اشتباهات سرمایه‌گذار این است که تصور کند هر سهمی که کمتر رشد کرده، الزاما «جامانده» و مستحق رشد است. در حالی که جاماندگی باید تحلیل شود، نه اینکه صرفا خریداری شود. حالا نگاه بازار بیش از گذشته به عملکرد واقعی شرکت‌ها دوخته شده است به‌خصوص در آستانه انتشار گزارش‌های ۶ماهه در کدال. گزارش‌های ۶ماهه می‌توانند مشخص کنند کدام شرکت‌ها در نیمه نخست سال توانسته‌اند رشد فروش خود را به رشد واقعی سودآوری تبدیل کنند و کدام شرکت‌ها صرفا از افزایش نرخ‌ها یا عوامل مقطعی منتفع شده‌اند. در بررسی این گزارش‌ها، فقط عدد سود خالص مهم نیست. باید دید: حاشیه سود شرکت چه تغییری کرده؟ رشد فروش از چه محلی ایجاد شده؟ سود عملیاتی چقدر رشد کرده؟ جریان نقد عملیاتی چه وضعیتی دارد؟ و مهم‌تر از همه، آیا عملکرد شش ماهه می‌تواند EPS آینده شرکت را تغییر دهد یا خیر؟ مراقب سود اسمی باشیم. در اقتصاد تورمی، رشد سود حسابداری همیشه به معنی افزایش قدرت اقتصادی شرکت نیست. ممکن است فروش یک شرکت به‌دلیل افزایش قیمت محصولات رشد قابل توجهی داشته باشد، اما اگر هزینه مواد اولیه، انرژی، دستمزد و سایر هزینه‌ها با سرعت بیشتری افزایش پیدا کرده باشند، حاشیه سود شرکت تحت فشار قرار می‌گیرد. بنابراین در شرایط تورمی، مقایسه صرفِ «سود امسال با سود سال قبل» کافی نیست؛ باید ببینیم قدرت سودسازی شرکت حفظ شده یا نه. نرخ ارز؛ همیشه خبر خوب نیست. برای بسیاری از شرکت‌های بورسی، تغییرات نرخ ارز اهمیت زیادی دارد؛ اما اثر آن برای همه شرکت‌ها یکسان نیست. شرکت صادرات‌محور ممکن است از افزایش نرخ ارز منتفع شود، اما همان افزایش نرخ ارز برای یک شرکت واردات‌محور یا شرکتی که بخش قابل توجهی از مواد اولیه خود را وارد می‌کند، می‌تواند فشار هزینه ایجاد کند. بنابراین به جای اینکه بگوییم: «دلار بالا رفت، پس بورس باید بالا برود.» باید بپرسیم: «افزایش نرخ ارز برای سودآوری کدام شرکت‌ها مثبت و برای کدام شرکت‌ها منفی است؟» قیمت سهم را از سود آینده جدا نکنیم؟ یکی از مهم‌ترین موضوعات در بازار صعودی، توجه به EPS آینده است. اگر قیمت سهم رشد کرده، اما برآورد سود آینده شرکت ثابت مانده باشد، P/E افزایش پیدا می‌کند و سهم ممکن است گران‌تر شده باشد. اما اگر افزایش قیمت سهم همزمان با افزایش قابل توجه سودآوری آینده شرکت باشد، داستان متفاوت است. بنابراین سرمایه‌گذار حرفه‌ای فقط نمی‌پرسد: این سهم چقدر رشد کرده؟ بلکه می‌پرسد: سود شرکت چقدر ظرفیت رشد دارد؟

### ◄ جریان نقد؛ جایی که سود خودش را ثابت می‌کند

یک شرکت می‌تواند روی صورت سود و زیان، سود خوبی شناسایی کند، اما همزمان با مشکل نقدینگی مواجه باشد. به همین دلیل در کنار صورت سود و زیان، جریان نقد عملیاتی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. شرکتی که از فعالیت اصلی خود نقد ایجاد می‌کند، معمولا توان بیشتری برای تامین سرمایه در گردش، پرداخت بدهی، اجرای طرح‌های توسعه و تقسیم سود دارد. در مقابل، فاصله زیاد بین سود حسابداری و جریان نقد عملیاتی می‌تواند یک علامت باشد که نیاز به بررسی بیشتر دارد. «جامانده» لزوما یعنی «ارزان» نیست. این شاید یکی از مهم‌ترین نکات آموزشی برای شرایط فعلی بازار باشد. ممکن است یک سهم از شاخص یا صنعت خود عقب مانده باشد، اما دلیل آن ضعف سودآوری، چشم‌انداز نامناسب، بدهی بالا، کاهش حاشیه سود یا مشکلات عملیاتی شرکت باشد. بنابراین هر سهمی که کمتر رشد کرده، فرصت خرید نیست؛ ابتدا باید علت جاماندگی آن را پیدا کرد.

### ◄ بازار صعودی، انتخاب را سخت‌تر می‌کند

در بازار نزولی، بسیاری از سهم‌ها صرفا به دلیل ترس عمومی افت می‌کنند. اما در بازار صعودی، یک اتفاق متفاوت رخ می‌دهد: انتخاب سهم خوب از میان سهم‌های متعدد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند وقتی بخش بزرگی از بازار رشد کرده، دیگر صرفا داشتن سهم کافی نیست؛ باید شرکتی را پیدا کرد که رشد سودآوری آن بتواند از رشد قیمت سهامش پشتیبانی کند. اینجاست که تحلیل بنیادی دوباره اهمیت خود را نشان می‌دهد...

ادامه در صفحه ۳

یادداشت - ۴

## بریکس و دیپلماسی اقتصادی

حسین درودیان

اقتصاد ایران در دو دهه گذشته تقریبا همواره زیر سایه تحریم‌های مالی و تجاری قرار داشته است. از محدودیت‌های بانکی و ارزی گرفته تا فشار بر صادرات نفت و مبادلات بین‌المللی، هدف اصلی این سیاست‌ها کاهش توان اقتصادی و محدود کردن ارتباط ایران با اقتصاد جهانی بوده است. با این حال، تجربه سال‌های اخیر نشان داده که هر چه تحریم‌ها پیچیده‌تر شده‌اند، اهمیت دیپلماسی اقتصادی و ایجاد مسیرهای جایگزین همکاری نیز بیشتر شده است. در همین چارچوب، حضور فعال ایران در سازوکارهایی مانند بریکس صرفا یک رویداد سیاسی نیست، بلکه می‌تواند به بستری برای تعریف روابط اقتصادی دوجانبه و چندجانبه با اقتصادهای بزرگ جهان تبدیل شود. اهمیت این موضوع آنجاست که بسیاری از اعضای بریکس خود از شرکای اصلی تجاری ایران محسوب می‌شوند و ظرفیت بالایی برای توسعه تجارت، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های مالی دارند. نکته مهم این است که موفقیت بریکس برای ایران الزاما به معنای ایجاد یک بلوک اقتصادی واحد نیست. آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، استفاده از اراده سیاسی موجود میان اعضا برای طراحی همکاری‌های مستقیم با هر کشور است. در برخی موارد این همکاری می‌تواند دوجانبه باشد و در موارد دیگر، با حضور یک کشور ثالث، زنجیره‌ای از مبادلات تجاری شکل بگیرد که محدودیت‌های ناشی از تحریم را کاهش دهد و توازن بیشتری در تجارت خارجی ایران ایجاد کند. از سوی دیگر، بزرگ‌ترین ظرفیت ایران برای جذب سرمایه خارجی همچنان بخش انرژی است. توسعه میادین نفت و گاز، افزایش بهره‌وری در مصرف انرژی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های صرفه‌جویی، حوزه‌هایی هستند که می‌توانند برای سرمایه‌گذاران کشورهای عضو بریکس جذاب باشند. این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها به افزایش تولید کمک می‌کند، بلکه می‌تواند منابع ارزی پایدارتر و اشتغال بیشتری نیز برای اقتصاد ایران ایجاد کند. البته نباید تصور کرد که عضویت در بریکس به خودی خود مشکلات اقتصادی را حل می‌کند. ضعف در دیپلماسی اقتصادی، محدودیت‌های بانکی و دشواری نقل‌وانتقال پول همچنان از موانع جدی توسعه تجارت ایران به شمار می‌روند. حتی با وجود ظرفیت‌های موجود، هنوز همه توان بالقوه کشور برای کاهش اثر تحریم‌ها و گسترش مبادلات خارجی به کار گرفته نشده است...

ادامه در صفحه ۳

سامانه پیامکی روزنامه تعادل

به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.